

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

عبدالله امینی - کابل
۲۴ اکتوبر ۲۰۱۶

همه چیز درباره زندان «سیاه» امریکا در افغانستان؛ از هتک حرمت تا شکنجه روانی

هموطنان گرامی! حین گشت و گذار در سایت ها، به یک مضمون وحشتناک در مورد زندان های "سیاه" امپریالیسم امریکا در افغانستان در یکی از سایت های ایرانی برخوردیم. اینک، مضمون متذکره را بدون کمترین تصرف به شما خوانندگان پیش کش می نمایم تا به خواص ضد بشری امریکائیان "انساندوست" پی ببرید. توجه فرمائید!



احساس می‌کردم که از زخم‌هایم خون جاری است، در جایی بودم که ابعادش یک متر در دو متر بود، آب وجود نداشت، تاریک و سرد بود، وقتی می‌خواستند شکنجه کنند، بدون لباس بودیم.

«عبدالواحد حیدری» جوان افغان که از زندان مخفی امریکا معروف به «زندان سیاه» در بگرام آزاد شده است در گفت‌وگو با خبرنگار دفتر منطقه‌ئی [خبرگزاری تسنیم](#) درباره روزهای سخت چهار ساله در این زندان گفت که در ۲۰ سالگی برنامه‌ها و آرزوهای بسیاری داشتم اما امریکائی‌ها مرا به جایی بردند که بدنام‌ترین زندان افغانستان است.

وی افزود: از سال ۲۰۰۹ تا مارچ ۲۰۱۳ در زندان سیاه امریکائی در بگرام به اتهام ارتباط با طالبان زندانی بوده است بدون این که حتی مدارکی ارائه کنند.

حیدری درباره چگونگی بازداشتش گفت: خواب بودم که نیروهای امریکائی وارد منزل شدند و با لگد و قنطاق تفنگ حمله کردند، از شدت کتک بیهوش شدم، وقتی به هوش آمدم دست و پاهایم بسته بودند، کیسه سیاهی بر سر داشتم و احساس می‌کردم که از زخم‌هایم خون جاری است، هنوز با گذشت ۶ سال از پیامدهای این جراحات رنج می‌برم. زندانی سابق زندان سیاه امریکا ادامه داد: پس از این که به قندهار رسیدم، زخم‌هایم پانسمان شدند، لباس سرخ رنگی بر تن کردند و پس از گرفتن عکس و طی دیگر مراحل، به سلول انفرادی منتقل شدم. سپس تحقیقات و شکنجه‌های طاقت فرسا به مدت دو هفته ادامه یافتند.

جوان افغانستان در مورد رفتار نظامیان امریکائی نیز اظهار داشت: رفتار آنها به هیچ وجه انسانی نبود، شکنجه، سلول انفرادی، هتک حرمت، بی‌احترامی به مقدسات اسلام و قرآن، بی‌خوابی، ضرب‌وشتم، برهنه کردن و دهها مورد دیگر بخشی از نحوه رفتار آنها با زندانیان بود.

تا یک ماه تحت بازجویی غیرانسانی بودم، در آنجا حتی پیرمردهای ۷۰ ساله را دیدم، کسانی که دو پای آنها قطع شده بود و یا کور شده بودند.

وی درباره چگونگی برخی از شکنجه‌ها نیز گفت که بیشتر زندانیان بر بدنشان زخمهایی از جای دندانهای سگ داشتند. یک نفر را خودم دیدم که پشت و پاهایش را سگ به شکل فجیعی دریده بود.

در این میان، برخی از نظامیان افغانستان نیز از امریکائی‌ها ظالم تر بودند. آنها به خاطر ارتقای درجه، به خاطر خوش خدمتی و دوستی با امریکائی‌ها، پول، نژاد و مذهب یا انتقام و دلایل دیگری ظلم می‌کردند. در زندان‌های عمومی از شکنجه روانی استفاده می‌کردند مثلاً می‌گفتند که آزاد می‌شوید و سپس آنها را آزاد نمی‌کردند یا می‌گفتند که تا زمان مرگ در همین زندان باقی می‌مانید البته در زندان سیاه شکنجه‌ها بسیار وحشتناک‌تر بودند.

با این حال، سازمانهای حقوق بشری و صلیب سرخ نیز به نظر بیشتر زندانیان به نفع امریکائی‌ها اقدام می‌کردند و یا اصلاً از زندان سیاه و زندانهای مخفی داخل بگرام خبر نداشتند.

از سوی دیگر، کمتر کسی از ترس با سازمانهای حقوق بشری حرف می‌زد. اما من حرف زدم و از شکنجه‌ها و از هتک حرمت‌ها و غیره تعریف کردم به همین دلیل زندانیان دیگر معتقد بودند که پرونده‌ام سنگین شده است. البته آنها درست می‌گفتند زیرا شکنجه می‌شدم اما به خاطر همه زندانیان حاضر بودم که جان دهم.

حیدری خاطرنشان کرد که پس از چهار ماه خانواده‌اش از طریق صلیب سرخ از زندانی شدنش باخبر شد. آنها فکر می‌کردند که او کشته شده است و حتی مراسم فاتحه هم گرفته بودند. با این حال هر ۶ ماه یکبار محاکمه می‌شد اما تغییری در اوضاع او به وجود نمی‌آمد. حتی پس از آن که دوسیه وی به دادگاه افغانستان سپرده می‌شود و این دادگاه حکم آزادی صادر می‌کند اما خواست امریکائی‌ها مهم بود.

زندانی آزاد شده از دست امریکائی‌ها ادامه داد که زندان بگرام هنوز بیشتر از گذشته فعال است و دولت افغانستان نیز کنترولی بر زندانیان مهم ندارد. زمانی که در بگرام و در زندان سیاه بودم، سلول‌های بیشتری ساخته می‌شد و برخی از زندانیان خارجی نیز اصلاً امیدی به آزادی نداشتند.

با این وجود دولت افغانستان هیچ نظارتی بر این زندان ندارد.

وی در ادامه از وجود سه زندان در بگرام خبر داد و اظهار داشت که زندان مخفی وجود داشت که فقط سران امریکائی از اوضاع آن مطلع بودن، پس از آن «زندان سیاه» بود و در نهایت زندان عمومی که ۱۶ سلول ۳۰ نفره در هر بلوک داشت. در بخش عمومی ۳۰ نفر در یک جای کوچک با دو توالت بدون سرپوش و آب زندانی بودند.

حیدری همچنین درباره حقوق زندانیان از جمله غذا، دارو و درمان نیز گفت که غذای زندان سیاه را از سر اجبار می‌خوردیم. این غذاها در کیسه‌های بدبو، گندیده، بسیار کم، سرد و بدون نام به زندانی‌ها داده می‌شد و در زندان عمومی نیز صبحانه پنیر فاسد با تکه‌ای نان خشک فاسد می‌دادند، بعضی وقتها نهار گوشت خامی بود که از حلال و حرام آن اطلاعی نداشتیم و شام برنج سختی که فقط جوشانده بودند و بدون روغن با نخود فرنگی یا لوبیا آب پز شده بود به هر حال از سر اجبار و برای زنده ماندن می‌خوردیم.

در مورد دارو و درمان هم باید گفت که زمانی پزشک سراغ زندانی می‌آمد که نزدیک به مرگ بود و به تجویز چند قرص آرام بخش اکتفاء می‌کرد.

در زندان سیاه اصلاً فکر این که هم‌صحبتی داشته باشیم، قابل تصور نبود، هفته‌ای یک بار یک ساعت هواخوری و حمام داشتیم، حوله‌ها بسیار کثیف بودند و شامپو هم در بسیاری موارد وجود نداشت در عین حال پس از ۱۰ دقیقه آب قطع می‌شد.

زندانی سابق زندان سیاه در بگرام با یادآوری سه ماه انفرادی‌اش می‌گوید: در جایی بودم که ابعادش یک متر در دو متر بود، آب وجود نداشت، تاریک و سرد بود، وقتی می‌خواستند شکنجه کنند، بدون لباس بودیم. البته در انفرادی‌های زندان عمومی هم بودم، در آنجا نیز توالت‌های کوچکی وجود داشت و همینطور لامپ‌های قوی حرارتی که پوست و چشم انسان را می‌سوزاند و به گفته برخی برای استخوان‌ها نیز ضرر داشت.

وی ادامه داد که بیشتر زندانیان و برخی از نظامیان امریکائی می‌گفتند که دو زندان مخفی مردانه و زنانه نیز در بگرام وجود دارد. وقتی امریکائی‌ها دستگیرم کردند و با کتک فراوان باعث شدند که مثانه و کلیه‌هایم آسیب ببینند با همکاری صلیب سرخ در بیمارستان زندان عمل شدم. زمانی که در آنجا بستری بودم، زنان زخمی را در حالت گریه و در لباس زرد زندانی‌ها مشاهده کردم.

در مورد موقعیت زندان سیاه امریکا در بگرام و تعداد زندانیان نیز حیدری احتمال داد که نظامیان امریکائی و افغان، آنها را چشم بسته به زندان سیاه می‌بردند بنابراین نمی‌دانستند که در چه جایی قرار دارند.

زندانی آزاد شده از زندان سیاه ادامه داد که گمانم زیرزمین فرودگاه بگرام بود زیرا خیلی صدای هواپیما شنیده می‌شد و این صداها آسایش روز و خواب شب را از آنها می‌گرفت. به نظر خیلی بزرگ می‌آمد. زندانیان اصلاً به تلیفون دسترسی نداشتند. شاید در آن زمان حدود ۵۰۰۰ مرد در بگرام زندانی بود.

زندانی سابق نظامیان امریکائی در بگرام در پاسخ به این که نظر مردم افغانستان در مورد این زندان و نظامیان امریکائی چگونه است نیز تصریح کرد که مردم افغانستان و همچنان کابل و بگرام می‌گویند که زندان بگرام بدترین زندان دنیا است. امریکا خود را طرفدار حقوق بشر می‌داند اما هیچ ارزشی برای انسانها قائل نیست و تنها به دنبال منافع شخصی است و از حقوق بشر نیز تنها به عنوان یک بازیچه استفاده می‌کند.

بعضی مردم از سر ناچاری و فقر مجبوراند رفتار خوبی داشته باشند اما از خارجی‌ها سخت ناخشنودند و آنها را دشمن می‌دانند در عین حال که فقر را به همکاری با امریکا ترجیح می‌دهند.

البته تعداد اندکی نیز هستند که ذلت جاسوسی برای امریکائی‌ها را نیز پذیرفته‌اند، و برای کسب جایزه، حتی حاضراند علیه شهروندان بی‌گناه یا کسانی که کمترین شکی به آنها دارند گواهی دهند زیرا امریکائی‌ها در ازای معرفی هر یک از اعضای طالبان، ۵۰۰۰ دالر جایزه می‌دهند.

عبدالواحد حیدری در صحبت‌های پایانی خود گفت که در بازجوئی‌ها راست می‌گفتم اما امریکائی‌ها به زور شکنجه و ادا می‌کردند که حرفهای آنها را تأیید کنم. به تجربه، امریکا را خوب شناختم، واشنگتن دشمن واقعی اسلام است و با حمله به کشورهای اسلامی برای از بین بردن اسلام تلاش می‌کند.

وقتی غربی‌ها به ویژه در رسانه‌های خودشان دم از حقوق بشر می‌زنند، خنده‌ام می‌گیرد و در عین حال به یاد فریادهای زندانیان بی‌گناه نیز اشکهایم جاری می‌شود. به یاد راهروهای خونین، شلاقها، بی‌حرمتی‌ها و خونسردی زشت امریکائی می‌افتم زمانی که جوانی مرا تباه می‌کردند و غرور و کرامت مردان و زنان سرزمین مرا خدشه دار می‌کردند.

اشک می‌ریزم برای این که مسلمانان هنوز دشمنان خودشان را نشاخته‌اند، برای این که لوله تفنگهای امریکائی را به روی همدیگر نشانه رفته‌اند و ارزش خونشان را فراموش کرده‌اند.

باید به فریاد مردمی رسید که سربازان ظالم امریکائی انسانیت آنها را حتی به رسمیت نمی‌شناسند.

<http://www.ghatreh.com/news/nn34251939/> همه-چیز-در-بار-ه-ز-ندان-سیاه-امریکا-افغانستان-هتک-حرمت-

شکنجه

۲ آبان [عقرب] ۱۳۹۵